

فیلیپ گوردون هماهنگ کننده اسبق کاخ سفید در امور خارجه در کتابی با عنوان «شکست در بازی طولانی؛ نوید دروغین تغییر رژیم در خاورمیانه»^۲ به بررسی هفت مورد تلاش امریکا برای تغییر رژیم در خاورمیانه می پردازد که دو مورد از آنها راجع به افغانستان است. در ادامه دو قسمت این کتاب درباره افغانستان ارائه می شود.

محال بود که کریسمس سال ۱۹۷۹ برای جیمی کارتر کریسمسی آرام باشد. دانشجویان ایرانی رادیکال همچنان پنجاه و دو امریکایی را که هفت هفته پیش گروگان گرفته بودند در اختیار داشتند، بیکاری و تورم

بیداد می کرد و به همان سرعتی که صف پمپ بنزین ها، در پی بحران انرژی پس از انقلاب ایران ۳، طولانی تر می شد، دورنمای انتخاب مجدد کارتر نیز افول می کرد. کارتر وقتی آن روز را همراه خانواده اش در کمپ دیوید گذراند - ساعت پنج و نیم صبح به درخواست دختر کوچکش بیدار شد تا به یکدیگر هدیه بدهند و دمی از سیاست جهانی آسوده باشد - خبر نداشت، ولی قرار بود در همان شب زندگی اش بغرنج تر بشود. به دنبال هشدارهایی که کارتر اوایل همان هفته از مأموران اطلاعاتی ایالات متحده دریافت کرده بود، ارتش سرخ چهلیم^۴ در روز کریسمس دویگان توپخانه موتوری را به درون کابل می برد تا دولت کمونیست خود را در مقابل شورش روبه رشد مسلمانان برپا کند. ظرف چند روز، پنجاه هزار سرباز شوروی در سرتاسر کشور مستقر شدند و به مسکو پایگاهی استراتژیک در جنوب غرب آسیا و خاورمیانه بزرگ دادند. این کابوسی بود که سیاستگذاران عالی رتبه ایالات متحده مدت ها از آن واهمه داشتند. اکنون این اتفاق در مقابل چشم هایشان رخ می داد.

با روشن شدن ابعاد حمله، کارتر مجبور شد زود هنگام از تعطیلات برگردد. در ۲۸ دسامبر، او به واشنگتن برگشت و «تندوتیزترین پیام عمرش را به [رهبر شوروی لئونید برژنف] فرستاد و جلسات شورای امنیت ملی را تشکیل داد تا سیاست هایی اتخاذ کند که برای افغانستان، ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و سرتاسر دنیا نتایجی مهم در پی داشت. این سیاست ها که با عملیات های پنهان محدود شروع شد تا با مسلح ساختن و آموزش شورشیان افغان برای شوروی اشغالگر هزینه تراشی کند، در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان با رشدی شایان توجه به نقشه ای جاه طلبانه تبدیل شد تا ارتش شوروی را مجبور به عقب نشینی کند و در دوره جورج بوش پدر - گرچه هدف این نبود، طبق معمول - به سیاست تغییر رژیم در کابل با حمایت ایالات متحده تبدیل شد که در نهایت به سرنگونی خشونت بار دولت افغانستان در سال ۱۹۹۲ منتهی گشت. پیامدهای این اقدامات در نهایت یکی از بی رحمانه ترین جنگ های داخلی دوران مدرن را رقم زد، به مرگ و آوارگی میلیون ها افغان انجامید، هزاران مبارز افراطی را مسلح و تشویق کرد، در افغانستان خلأ امنیتی به وجود آورد، به ظهور طالبان و یک عملیات تغییر رژیم دیگر ایالات متحده برای سرنگونی طالبان پس از حملات تروریستی

داستان تغییر رژیم در افغانستان - دست کم، تغییر رژیم نخست - در واقع از شش ماه پیش از آن حمله و تصمیم کارتر در تابستان ۱۹۷۹ برای حمایت نظامی از شورشیان ضد کمونیست در آن کشور شروع می شود